

نقد اندیشہ سی سلفی گری ایرانی

کتاب حیات

دکتر عبدالعلی موحدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	موحدی، عبدالعلی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	حیات برزخی / عبدالعلی موحدی.
مشخصات نشر	قم: موسسه فرهنگی هنری امامت اهل بیت <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۵۲ ص.
شابک	۱۱۰/۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۵-۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا.
یادداشت	بالای عنوان: نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی.
عنوان دیگر	نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی.
موضوع	برزخ -- اسلام -- دفاعیه‌ها وردیه‌ها
موضوع	Intermediate state -- Islam -- Apologetic works
موضوع	برزخ -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	Intermediate state -- Islam -- Qur'anic teaching
موضوع	زندگی پس از مرگ (اسلام)
موضوع	Future Life -- Islam
رده بندی کنگره	۹۱۳۹۵ ح ۸ / ۲۴ / ۲۲۲ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۴۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۹۰۴۷۰

(نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی)

حیات برزخی

دکتر عبدالعلی موحدی

حیات برزخی

(نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی)

گردآوری: عبدالعلی موحدی

ناشر: انتشارات امامت اهل بیت علیهم‌السلام

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: دوم، زمستان ۱۳۹۵

قیمت: ۱۱/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۵-۹-۰

نشانی: قم، بلوار معلم، کوی ۱۰، خیابان شهیدین، پلاک ۵۶

سایت: www.emamat.ir

نشانی الکترونیکی: nashr@emamat.ir

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۷۸۳۸۶۹۰-۲

فهرست مطالب

۹	آغازین کلام
	مقدمه / ۱۱
۱۳	طرح مسئله
۱۴	آنچه پیش روداریم
۱۹	روش شناسی پژوهش
۱۹	ساختار شبهه های مخالفان
۲۱	ساختار پاسخ گویی
۲۲	رویکرد مختار در این نوشتار
	دلالت قرآن کریم بر حیات برزخی / ۲۵
۲۹	آل فرعون معذب به عذاب برزخی
۳۳	شهادا، منتقم به نعمت برزخی
۳۵	بررسی برخی تفاسیر دیگر
۴۱	تمتای بازگشت به دنیا
۴۲	تأملی افزون تر در دلالت آیه
۴۷	گفت وگویی مؤمن آل پس
۴۹	تأملی افزون تر در دلالت آیه
۵۳	ورود در عذاب در پی غرق شدن
۵۴	تأملی افزون تر در دلالت آیه
۵۷	معیشت ضنک
۵۸	تأملی افزون تر در دلالت آیه
۶۱	نتیجه گیری

استناد قرآنی منکران حیات برزخی در بوته‌ی نقد/ ۶۳

۶۷.....	آیات لبث
۶۸.....	نقد و بررسی
۷۳.....	آیات دو احیاء و یک امانه
۷۴.....	نقد و بررسی
۷۶.....	تأمل در تعداد احیاء و امانه
۷۷.....	آرای اندیشمندان اهل تسنن
۸۱.....	آرای اندیشمندان شیعه
۸۴.....	بیان روایات در این باره
۸۷.....	نتیجه‌گیری
۹۱.....	تشبیه احیاء در قیامت به بهار
۹۲.....	نقد و بررسی
۹۵.....	آیاتی دیگر در استدلال بر مدعا
۹۵.....	برپایی قیامت در پی یک صبحه
۹۶.....	نقد و بررسی
۹۹.....	نامبرده نشدن از برزخ در مراحل سه‌گانه
۹۹.....	نقد و بررسی
۱۰۰.....	عدم توجه به برزخ در تمنای بازگشت به دنیا
۱۰۰.....	نقد و بررسی
۱۰۳.....	درنگی بر تمسک ناکارآمد به نهج البلاغه
۱۰۵.....	نقد و بررسی
۱۰۵.....	پاسخ نقضی
۱۰۸.....	پاسخ حلی

اعتبارسنجی استدلال قرآنی منکران ارتباط با برزخ / ۱۱۵

۱۱۹.....	شادی پایدار و مستمر بهشتیان
۱۲۰.....	نقد و بررسی
۱۲۷.....	عدم اسماع مردگان
۱۲۸.....	نقد و بررسی

- ۱۳۰..... بررسی اشکال، مبتنی بر معنای نخست
- ۱۳۷..... بررسی اشکال، مبتنی بر معنای دوم
- ۱۴۲..... دقت در چند نکته‌ی مهم
- ۱۵۳..... جریان حضرت عزیر علیه السلام
- ۱۵۴..... نقد و بررسی
- ۱۵۷..... اذعان انبیا علیهم السلام بر بی اطلاعی از دنیا پس از وفات
- ۱۵۸..... نقد و بررسی
- ۱۵۸..... مرحله‌ی اول: دقت در مضامین قرآنی
- ۱۶۳..... مرحله‌ی دوم: تأملی در مضامین روایی
- ۱۶۶..... نکته‌ای در جمع روایات این باب
- ۱۶۹..... ناآگاهی حضرت عیسی علیه السلام از امت خود
- ۱۶۹..... نقد و بررسی
- ۱۷۱..... دقت در لوازم منصب شهادت

تأملی در ادله‌ی قرآنی ارتباط میان دنیا و برزخ/ ۱۸۱

- ۱۸۵..... اطلاع شهدا از دنیا
- ۱۸۹..... خواندن مردگان از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۱۹۰..... تأملی افزون‌تر در دلالت آیه
- ۱۹۲..... استفاده‌ی بهینه از آیه
- ۱۹۵..... سخن گفتن حضرت صالح و حضرت شعیب با قوم خود
- ۱۹۷..... تأملی افزون‌تر در دلالت آیه
- ۲۰۳..... پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با ارواح انبیا سخن می‌گوید
- ۲۰۳..... تأملی افزون‌تر در دلالت آیه
- ۲۰۵..... استفاده‌ی بهینه از آیه
- ۲۰۵..... نقد استشهاد مخالفان به آیه
- ۲۱۳..... قرآن بر پیامبران درود می‌فرستد
- ۲۱۴..... تأملی افزون‌تر در دلالت آیه

اثبات روایی ارتباط اهل بیت علیهم السلام با دنیا/ ۲۱۷

۲۲۱.....	زیارت مشاهد اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۲۷.....	ابلاغ سلام مردم به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۳۱.....	عرض اعمال بر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۳۳.....	تمایز اهل بیت <small>علیهم السلام</small> با دیگر مُردگان
۲۳۹.....	سخن آخر.....
۲۴۳.....	فهرست منابع.....

آغازین کلام

پس از آنکه مهلت آخرین سفیر الهی سرآمد و پیام آور رحمت از میان مردم رخت برپست و خداوند متعال، سرای جاوید را برای او برگزید، کینه‌توزان معاند و حق‌ستیزان منافق، دشمنی خود را با حق و حقیقت آشکارتر ساختند و از امر الهی و فرمان نبوی در اوصیای پیامبر گرامی سرپیچی کردند. آنان نه تنها فضیلت و برتری ایشان را نادیده انگاشتند، که از آزار و اذیت این بزرگواران نیز دریغ نوزیدند و گونه‌های رنج و سختی را بر ایشان روا داشتند. در نهایت، زندگانی دنیوی ایشان را هم تاب نیاوردند و اهل بیت علیهم‌السلام را یک‌به‌یک به تیغ ستم یا زهر جفا به شهادت رساندند.

با این همه، شعله‌ی حقد و کینه در دل‌های سیاه دشمنان فرو نشست و در جلوه‌های دیگر و از زوایای تازه‌تر زبانه کشید؛ تا آنجا که زندگی واپسین و حیات پرزخی برگزیدگان خداوند را نیز انکار کردند، تا هم شدت عداوت دشمنان نمایان و هم دریچه‌ای نو در دشمنی با شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام گشوده شود.

بدین سبب بر آن شدیم تا با نام و یاد خداوند و با استعانت از روح مقدس امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و عنایات ولی‌دوران - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مجموعه مباحثی را درباره‌ی عنوان «حیات پرزخی» ارائه کنیم، به این امید که مطالب عرضه شده، راهنمایی برای جویندگان حقیقت و سلاحی کارآمد در دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

این نوشتار، حاصل مباحثه‌ها و گفت‌وگوهای است که تحت اشراف استاد فرزانه، جناب آقای دکتر علیرضا رحیمیان و سرور ارجمند، جناب آقای حجت الاسلام حاج شیخ صادق فائق و با هم‌اندیشی دوستان فرهیخته، به دست آمده است.^۱ روشن است که غنای علمی این مجموعه، نتیجه‌ی دقت نظرهای آن سروران و کم‌وکاستی موجود در آن، نشانه‌ی نقصان آگاهی نگارنده می‌باشد. امید که خداوند متعال این تلاش ناچیز را به لطف و عنایت خود بپذیرد و قصور و تقصیرهای آن را ببخشد.

(۱) از این روست که در طول این نوشتار، آنجا که سخن منتسب به گردآورنده‌ی متن است، از افعال جمع استفاده شده است.

طرح مسئله

در طول تاریخ اسلام، در راستای کینه‌توزی با پیامبر اکرم و اهل بیتش علیهم‌السلام، حمله‌های علمی و عملی فراوانی به باورها و عملکردهای شیعه صورت گرفته است و مخالفان شیعه همواره درصدد بوده‌اند به زعم خود برای ایرادها و اتهام‌هایشان، مبانی و پایه‌های استواری برپاسازند؛ گاه از زاویه‌ی عقل و زمانی از دریچه‌ی نقل.

نفی حیات برزخی ائمه علیهم‌السلام یا ناممکن شمردن ارتباط با این بزرگواران در عالم برزخ نیز بهانه‌ای شده است تا پیروان ائمه علیهم‌السلام با عناوینی چون مرده‌پرستی و قبرپرستی، مشرک شمرده شوند و عقاید و رفتار آنان در قبال بزرگان دین، شرک و بدعت یا لغو و بیهوده انگاشته شود. این امر که از زمان رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جریان داشته، تا به امروز نیز با جلوه‌ها و مظاهر گوناگون ادامه یافته است.

این تلاش، پس از آن صورت می‌پذیرد که اندیشمندان شیعه در عناوین مختلف توحید و شرک، توسل، شفاعت، زیارت و ... به اتهام‌های ناروای مخالفان پاسخ می‌گویند و بطلان شبهه‌های آنان را آشکار می‌سازند. اما مخالفان پس از آنکه به زعم خود حیات برزخی یا امکان ارتباط با اموات را منتفی می‌کنند، دوباره ایراد لغو بودن یا بدعت بودن یا شرک بودن

و ... را به عقیده و عملکرد شیعه در برابر اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه پس از شهادت آن بزرگواران وارد می‌کنند.

مخالفان با اصرار بر نفی حیات یا نفی ارتباط با عالم برزخ، اتهام‌های خود را بر اعتقاد شیعه بازسازی می‌کنند.

به این سبب است که ادّعا می‌کنیم: اشکال مبتنی بر نفی حیات برزخی یا نفی امکان ارتباط با عالم برزخ، از اصلی‌ترین شبهه‌های مخالفان به‌شمار می‌آید؛ چراکه در یک رویکرد، پایه و اساس دیگر اشکال‌های آنها را تشکیل می‌دهد.

از این‌رو، در این نوشتار برآن شده‌ایم تا این شبهه را به صورت مجزّاً و مستقل نقد و بررسی کنیم تا بتوان از نتایج آن در دیگر مباحث استفاده کرد و استواری مبانی اعتقاد و عمل شیعه را آشکار ساخت.

گفتنی است عالمان شیعه چه در قدیم و چه در عصر حاضر، تمام‌قد در برابر این گونه یاوه‌سرایی‌ها و گزافه‌گویی‌ها ایستاده‌اند و به شبهه‌های مخالفان پاسخ گفته‌اند، ولی از آنجاکه مخالفان دین الهی و عقاید حق، در هر زمان با روشی تازه و کالبدی جدید همان ایرادها و اتهام‌های واهی را بازخوانی و ارائه می‌کنند، در مقابل هم باید با بیانی متناسب و روشی متناسب با آنها به مقابله با ایشان پرداخت. به این منظور و با اعتراف به خوشه‌چینی از خرمن بزرگان شیعه، برای تبیین ویژگی‌ها و در برخی موارد تفاوت‌های این نوشتار با ثمره‌ی تلاش‌ها و زحمات اندیشمندان بزرگ شیعه، در ادامه به مواردی اشاره می‌کنیم.

آنچه پیش رو داریم

توجه به چند نکته، ساختار مباحث و اهداف جزئی این نوشتار را برای خواننده‌ی محترم نمایان‌تر خواهد کرد:

در این نوشتار که هدف خود را در آن، دفاع از باور شیعه در مسئله‌ی حیات برزخی قرار داده‌ایم، به‌طور عمده به بررسی شبهه‌هایی پرداخته‌ایم که با استناد به مضامین قرآنی به نظام اعتقادی شیعه وارد می‌شود. این شبهه‌ها، بیشتر از سوی کسانی وارد می‌شود که خود را نه شیعه و نه از اهل تسنّن می‌دانند و به اصطلاح، خود را «قرآنی» معرفی می‌کنند. نمونه‌ی برجسته‌ی این گروه، افرادی مثل ابوالفضل برقی و حیدرعلی قلمداران و دست‌پروردگان مکتب آنها هستند که در دوران معاصر به‌طور عمده در میان جامعه‌ی شیعی ایران زندگی کرده‌اند و هم از این روست که خود را با عنوان اهل تسنّن یا وهّابی مسلک معرفی نمی‌کنند.

البته می‌توان ادعا کرد این گونه شبهه‌ها، به این گروه اختصاص ندارد و هر که بخواهد - به زعم خود - مستند به مضامین قرآنی به عقاید شیعی حمله کند، در این نوع شبهه‌پراکنی با دیگر مخالفان شیعه مشترک خواهد بود. براین اساس، بسیاری از مبانی این تفکر در منابع اهل تسنن، به‌ویژه در منابع فکری وهابیان قابل پی‌گیری است که این حقیقت در ادامه و در بخش‌های گوناگون، آشکارتر خواهد شد.

با توجه به نکته‌ی پیشین، از آنجاکه در بررسی شبهه‌ی حیات برزخی، شیوه‌ی ورود به بحث و رویکرد اتخاذ شده در این نوشتار با دیگر مکتوبات در این زمینه تفاوت‌هایی دارد، در ادامه‌ی مقدمه، به تبیین روش‌شناسی شبهه و پاسخ پرداخته و براین نکته تأکید کرده‌ایم که توجه ما در این نوشتار، به‌طور عمد بر عدم تخالف آیات و روایات معطوف شده است و بیان کرده‌ایم که به‌رغم ادعای مخالفان، آیات قرآنی مورد تمسک آنان، بر نفی حیات یا نفی ارتباط با اموات دلالت ندارد. این نکته سبب خواهد شد تا تمسک به روایات اهل بیت علیهم‌السلام در اثبات اعتقاد شیعی جایگاه منطقی خود را به دست آورد و شبهه‌ی مخالفت با قرآن از آن زدوده شود.

در ادامه و در سه بخش به بررسی مدّعی مخالفان پرداخته‌ایم. دستاورد ما در نخستین بخش با عنوان «دلالت قرآن کریم بر حیات برزخی» با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، دستیابی به گزاره‌ای موجبه‌ی جزئیّه است که بیان می‌دارد دست‌کم، گروه‌هایی از انسان‌ها حیات برزخی دارند و از این‌رو، این باور مخالفان که می‌پندارند «به‌نحو موجبه‌ی کلیّه» هیچ انسانی در عالم برزخ از حیات برخوردار نیست، باطل می‌شود. این بخش، در حقیقت پاسخی نقضی برای این شبهه‌ی مخالفان فراهم می‌آورد. در دو بخش بعدی به بررسی حلی شبهه‌های مخالفان پرداخته، در ادله‌ی مورد استناد آنان مذاقه کرده‌ایم. در بخش

شبهه‌ی حیات برزخی، یکی از شاخصه‌های هر تفکر سلفی است.

محور بررسی ما، نفی استناد مخالفان به آیات قرآنی است.

آیات الهی به روشنی بوجود حیات برزخی دست‌کم برای گروه‌هایی دلالت دارد.

قدّ برزخی علی‌کبری ایران

مقدمه، به این مطلب پرداخته‌ایم که ادّعی مخالفان به دو بیان بازمی‌گردد: یکی اینکه «هیچ مرده‌ای حیات برزخی ندارد» و دیگر اینکه «با هیچ مرده‌ای نمی‌توان ارتباطی برقرار کرد». نقد ادّله‌ی مخالفان را در مدّعی نخست، در بخشی با عنوان «استناد قرآنی منکران حیات برزخی در بوته‌ی نقد» ارائه کرده‌ایم و به بررسی مدّعی دوم آنان در بخش «اعتبارسنجی استدلال قرآنی منکران ارتباط با برزخ» پرداخته‌ایم.

دستاورد ما در این دو بخش این حقیقت است که هیچ‌یک از آیات مورد تمسّک مخالفان، چنین ادّعاهایی را پشتیبانی نمی‌کند. باز هم تأکید می‌کنیم که در این دو بخش، رویکرد ما دفع شبهه‌ی مخالفان است و قصد داریم اّتهم مخالفت با قرآن را از باورها و رفتارهای شیعه بزداایم.

در دو بخش پایانی این نوشتار به بررسی ادّله‌ی شیعه بر ارتباط میان دنیا و برزخ پرداخته‌ایم. باید دقت کرد که هدف نهایی ما در این دو بخش، ارتباط ارواح طیبه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام با دنیاست و در پی اثبات ارتباط میان همه‌ی ارواح با دنیا نیستیم. به این منظور ابتدا در بخشی با عنوان «تأملی در ادّله‌ی قرآنی ارتباط میان دنیا و برزخ» به بررسی آیاتی از قرآن کریم پرداخته‌ایم که به‌طور معمول در مکتوبات موجود به عنوان دلیل بر این امر ارائه می‌شود. توجّه به دو نکته دستاورد ما را در این بررسی نمایان‌تر می‌کند:

الف) به نظر می‌رسد این ادّله در رویکردی صرفاً قرآنی، دارای اولویّت اول در استدلال نیست؛ به این معنا که مفاد مورد نظر شیعه، نتیجه‌ی استظهاری است که از این آیات صورت می‌گیرد و تثبیت این معنای ظاهر در میان آرای متفاوت مفسّران و قرینه‌هایی که هر گروه برای خود استفاده می‌کند، به‌ویژه مخالفان شیعه، سهل و آسان نیست؛ گرچه در مبنای شیعه و با استناد به روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام، این آیات به‌روشنی بر حیات برزخی و ارتباط میان دنیا و برزخ دلالت می‌کند.

ب) بررسی قرآنی، به‌نحو اجمال مدّعی شیعه را نمایان می‌سازد؛ به این معنا که ارتباط میان ارواح اهل بیت علیهم‌السلام و دنیا به‌صراحت و با تبیین جزئیات، از آیات قرآن

هرچند آیات قرآنی به‌صراحت بر ارتباط با عالم برزخ دلالت ندارد، بستر مناسب را برای پذیرش روایات این باب فراهم می‌کند.

قابل برداشت نیست، بلکه صرفاً به نحو موجهی جزئیته ارتباطی میان دنیا و برزخ برداشت می‌شود که کاربرد بهینه‌ی آن، رفع تعارض میان مفاد روایات شیعه با آیات قرآن و فراهم شدن بستری قرآنی برای پذیرش باورهای شیعی است.

به هر صورت، هدف نهایی خود را در آخرین بخش و با عنوان «اثبات روایی ارتباط اهل بیت علیهم‌السلام با دنیا» نمایان کرده‌ایم. واقعیت این است که اشراف اهل بیت علیهم‌السلام به دنیا و بلکه تمام آفرینش، از مضامین متواتر روایی است و اندک اطلاعی از

آموزه‌های روایی شیعی این مطلب را به روشنی آشکار خواهد ساخت. از این رو، در این قسمت، تنها به گوشه‌ای از این مدارک اشاره کرده‌ایم که مضمون مورد نظر ما را آشکارا بیان می‌کند. البته در لابه لای بحث، مدارکی از اهل تسنن را هم که این ارتباط را برای وجود مقدس پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برقرار می‌داند، ارائه کرده‌ایم که در جای خود قابل استناد خواهد بود.

روش‌شناسی پژوهش

ساختار شبه‌های مخالفان^۱

در بحث حیات برزخی با بررسی گفتار مخالفان و از لابه لای دیدگاه‌های آنها می‌توان دو سرفصل عمده را بدین ترتیب مدوّن کرد:

- عدم حیات مردگان به این معنا که برزخ نیستی است و برای انسان پس از مرگ، حیاتی وجود ندارد. برای نمونه:

از کتاب آسمانی، یعنی قرآن چنین استفاده می‌شود که برای بشر دو حیات بیشتر نیست: حیات دنیوی و حیات اخروی؛ و اما عالم قبر و برزخ، عالم خاموشی و عالم بی‌هوشی است و برزخ فاصله‌ی بین دو حیات است. آیات بسیاری بر این مطلب دلالت دارد.^۱

(۱) خرافات وفور در زیارات قبور، برقی ۱۰۹/ و نظیر آن: ۱۰ و ۱۳. این کتاب یکی از اصلی‌ترین منابع برای دستیابی به شبه‌های مخالفان است. نویسنده در ابتدا به روشنی این عناوین دوگانه را ارائه کرده است و از باب مماشات، از عنوان اول به دوم تغییر نظر داده و به زعم خود در هر دو عنوان ثابت کرده که توسل شیعه باطل است. البته در این نوشته از هر بابی سخنی به میان آمده و بحث به صورتی درهم ارائه شده است که برای خوانندگان تشویش ذهنی پدید می‌آورد. این روش، خود شگردی است تا خوانندگان چنین متنی نتوانند به طور شفاف ادعاها و استدلال‌های نویسنده را مشاهده کنند و به بررسی آن پردازند و تنها در مواجهه با انبوهی سخنان به ظاهر منطقی و همراه با استدلال، به نویسنده اعتماد کرده، ادعای او را بپذیرند. از آنجا که در این نوشتار هدف ما نقد و بررسی این کتاب به طور خاص نیست، از ارائه‌ی همه‌ی مطالب آن خودداری می‌کنیم، ولی به اقتضای بحث، به اصلی‌ترین ادله‌ی نویسنده اشاره کرده، آن را بررسی خواهیم کرد.

... نتیجه اینکه، پس از حیات دنیا برای مردگان بدون فاصله حیات آخرت است و وعده‌های الهی که داده برای رفتگان همه در آخرت است. بنابراین، خواندن کسی که خود بی‌هوش و خاموش و بی‌گوش است، معنا ندارد. پس کسانی که انبیا و اولیا و یا امامان خود را می‌خوانند، گویا از آیات قرآن به‌کلی بی‌خبرند...^۱

- **عدم اطلاع مردگان** به این معنا که هرچند مردگان در عالم برزخ حیات و زندگی‌ای با ویژگی‌های خود دارند، از احوال زندگان در دنیا باخبر نیستند. به عبارت دیگر، میان آنها و زندگان به حیات دنیوی ارتباطی برقرار نیست. در برخی مدارک مخالفان، شاید بتوان این عنوان را به دو تعبیر بازگرداند: (۱) عدم دریافت خواسته‌های ما از سوی آنها یا به عبارت دیگر، عدم اطلاع آنان از دنیا، (۲) عدم دریافت پاسخ آنان از سوی ما. برای نمونه:

ما در این مختصر ثابت خواهیم کرد که اصلاً اولیای خدا پس از وفات، به‌کلی از دنیا بی‌خبرند و در عالم دیگر در برزخ هستند...^۲

تفصیل این مطلب در ادامه خواهد آمد.^۳

(۱) **خرافات وفور در زیارات قبور، برقی ۱۱۷/** البته در این بیان، به روشنی تهافتی وجود دارد: اگر پس از مرگ، بدون فاصله حیات اخروی جریان دارد، پس چرا ادعا می‌کنید مردگان بی‌هوش و خاموش‌اند و خواندن آنان، بیهوده است؟! آیا در قیامت، درک و فهم و شعوری در کار نیست؟!^۴

(۲) **خرافات وفور در زیارات قبور، برقی / ۹.**

(۳) به نظر می‌رسد این نویسنده هرچند از تعبیری هوشی و مدهوشی نیز برای عالم برزخ استفاده می‌کند، آن را با نبود حیات برزخی یکسان می‌گیرد. به خصوص در تعابیری که در ادامه از این نویسنده و از صفحات ۱۳-۱۴ و ۱۰۹-۱۱۲ اشاره خواهیم کرد، این نکته به صراحت دیده می‌شود. البته در چاپ‌های دیگر و به‌ویژه در نسخه‌های اینترنتی این کتاب تغییراتی در این تعبیر صورت گرفته و عبارت «برای بشر دو حیات کامل بیشتر وجود ندارد» آمده است. به هر صورت منظور این نویسنده و دیگرانی که شبیه او می‌اندیشند از عالم خاموشی و بی‌هوشی، یا همسانی با نبودن و نیستی است یا حیاتی ناقص است که ارتباط با آن بی‌معنی است؛ در هر حال در بررسی ما به یکی از این دو بیانی که در متن بدان اشاره شده است ملحق می‌شود. به این صورت که در نظر مخالفان، چه برزخ نیستی باشد چه حیات ناقص و بی‌هوشی، نقض‌های قرآنی که در ادامه به آن استناد خواهیم کرد این قول را نیز باطل خواهد کرد و حیاتی کامل را برای گروه‌هایی از انسان‌ها ثابت می‌کند. اگر اصرار مخالفان در حیات ناقص، ناممکن بودن ارتباط با مردگان در عالم برزخ باشد، مباحث طرح‌شده در بخش «اعتبارسنجی استدلال قرآنی منکران ارتباط با برزخ» بطلان مدعای آنان را برملا خواهد ساخت.

این دو عنوان در حقیقت دو واکنش آنان در این بحث به اعتقاد شیعه است؛ به این معنا که در مواضع مختلف و در برخوردها و گفت‌وگوهای گوناگون و بسته به اینکه چه ادعایی و با چه ادله‌ای از طرف شیعه ارائه شود، پاسخ مخالفان ممکن است یکی از این دو بیان باشد. به عبارت دقیق‌تر، این دو عنوان به ترتیب عقب‌نشینی مخالفان در برابر ادله‌ی شیعه است؛ چراکه بیان‌های ابتدایی به راحتی نقض و ابطال می‌شود.

همچنین باید دقت کرد که در این بحث، مخالفان برای اینکه بتوانند در عملکرد شیعه در توسل به اهل بیت علیهم‌السلام آن هم بعد از شهادت ایشان خدشه وارد کنند، دوره پیش روی دارند: (۱) بتوانند با مدارک ادعایی خود نشان دهند به طور خاص اهل بیت علیهم‌السلام پس از شهادت فاقد حیات‌اند یا امکان ارتباط با ایشان وجود ندارد، که این مدعانه در قرآن و نه در روایات قابل دستیابی نیست. (۲) از آیات و روایات، نفی‌ای کلی برای همه‌ی اموات به دست آورند تا ارتباط با ائمه علیهم‌السلام را مصداقی از یک قضیه‌ی سالبه‌ی کلیه برشمارند و در نتیجه، عملکرد شیعه را مخدوش سازند.

به این ترتیب آنها باید بتوانند در هر عنوان، چنین ادعایی را از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اثبات کنند:

- هیچ مرده‌ای حیات برزخی ندارد.
- هیچ مرده‌ای از احوال زندگان باخبر نیست و با مرده هیچ ارتباطی نمی‌توان برقرار کرد.

ساختار پاسخ‌گویی

در مقابل چنین ادعایی ما نیز می‌توانیم دو کار انجام دهیم:

- (۱) پاسخ‌گویی به روش نقضی که در آن با تمسک به بیان آیات و روایات، حیات برزخی و امکان برقراری ارتباط با گروه‌هایی از مردگان را نشان دهیم که در این صورت با ارائه‌ی مثال نقض، کلیت مورد ادعای مخالفان را باطل کرده‌ایم و لذا روایاتی را که

بیانگر زنده بودن اهل بیت علیهم السلام در عالم برزخ و امکان ارتباط با ایشان است، از شبهه‌ی مخالفت با قرآن و دیگر روایات مبّرّا ساخته ایم.^۱

(۲) پاسخ‌گویی به روش حلّی که در آن به بررسی ادّله‌ی آنان پردازیم و نشان دهیم آیات و روایات مورد تمسّک آنها، بر نفي کلی حیات برزخی یا امکان ارتباط با انسان‌های زنده به حیات برزخی دلالت نمی‌کند.

در ادامه‌ی این نوشتار هر دو روش نقضی و حلّی را پی خواهیم گرفت؛ البتّه با این دقّت که روش نقضی در عنوان نخست که حیات برزخی انکار می‌شود، کارایی لازم را داراست، ولی در شبهه‌ی عدم اطلاع و عدم ارتباط، مورد نقض قرآنی یافتن دشوار است.

در این نکته هم دقّت کنیم: از آنجا که مخالفان، ادّعای قرآنی بودن دارند، در این بررسی‌ها ما هم به‌طور عمده بحث را به آیات قرآنی معطوف می‌کنیم و به مناسبت و در حدّ ضرورت و به میزانی که مخالفان به ادّله‌ی روایی تمسّک کرده‌اند، به بررسی روایات و دقّت در آن خواهیم پرداخت.

رویکرد مختار در این نوشتار

پیش از آنکه به بررسی تفصیلی این شبهه‌ها و پاسخ آن پردازیم، یادآوری یک نکته بسیار ضروری می‌نماید و آن، دقّت در روش ما در این بررسی است. به‌طور معمول در کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته می‌شود، برای ردّ این شبهه‌ها به ارائه‌ی ادّله‌ی اثبات اعتقاد شیعه مبنی بر زنده بودن اهل بیت علیهم السلام و برقراری ارتباط با این ذوات مقدّس می‌پردازند. این ادّله، هم قرآنی است و هم روایی. به نظر ما دست یافتن به آیات صریح در قرآن که بتوان به وسیله‌ی آن ارتباط با اهل بیت علیهم السلام یا دیگر اموات را ثابت کرد، کاری است دشوار و در عناوین پایانی به بررسی برخی از این آیات خواهیم پرداخت.

(۱) به یاد داشته باشیم که پیشتر ادّعا کردیم در آیات قرآنی دلیل خاصی که بیانگر عدم حیات اهل بیت علیهم السلام یا عدم امکان ارتباط با آنها باشد، وجود ندارد.

درباره‌ی استناد به روایات هم برای اثبات عقیده‌ی شیعه باید گفت این کار هرچند در جای خود لازم و ضروری است، نقیصه‌ای نیز در آن وجود دارد. آنجا که مخالفان برای ردّ حیات برزخی یا نفی امکان ارتباط با مردگان به آیات قرآنی روی می‌آورند، استناد به روایات برای اثبات این حقیقت، از یک شبهه خالی نیست و آن شبهه‌ی «مخالفت روایت با قرآن» است. در برابر این شبهه، تمسک به روایات و تعدّد آن کارآیی لازم را ندارد، مگر آنکه ابتدا با بررسی مضامین قرآنی عدم مخالفت آن را با بیان روایات آشکار سازیم و سپس با تکیه بر روایات، عقیده‌ی خود را اثبات کنیم.^۱

پس از فراهم شدن بستر قرآنی، مضمون متواتر روایات شیعه، حیات برزخی و ارتباط اهل بیت علیهم‌السلام با دنیا را ثابت می‌کند.

از این رو، در این نوشتار، ابتدا رویکرد خود را به طور عمده بر عدم تخالف آیات و روایات معطوف کرده‌ایم و نشان داده‌ایم به‌رغم ادّعای مخالفان، آیات قرآنی مورد تمسک آنان، بر نفی حیات یا نفی ارتباط با اموات دلالت ندارد.

بعد از این بررسی است که تمسک به روایات اهل بیت علیهم‌السلام جایگاه منطقی خود را به دست می‌آورد و می‌توان به راحتی اعتقاد شیعه را از آن نتیجه گرفت. این مهم را در بخش پایانی این نوشتار واکاویده‌ایم.

(۱) ممکن است در برابر نقض‌های قرآنی، واکنش مخالفان این باشد که این موارد، تخصیصی به بیان عامّ قرآن است که نفی حیات برزخی را برای همه‌ی انسان‌ها اعلام می‌کند. در پاسخ، توجه به این نکته‌ها کارساز خواهد بود: (۱) چنان‌که در ادامه خواهیم دید در متونی که ما به بررسی آن پرداخته‌ایم چنین بیانی از مخالفان ارائه نشده است و سالبه‌ی کلیّه دانستن مدّعیان آن‌ها، لازمه‌ی سخن آنان است که ما آن را برای تقویت مدّعیان ارائه کرده‌ایم. (۲) در بررسی حلّی شبهه‌های مخالفان نشان داده‌ایم که چنین بیان عامی از آیات قرآنی قابل برداشت نیست. (۳) بر فرض هم چنین بیان عامی از قرآن قابل برداشت باشد از آنجا که در قرآن تخصیص خوردن این بیان وجود دارد، دلیل معتبر دیگری نیز می‌تواند به این بیان عام، تخصیص بزند که در اعتقاد شیعه این دلیل معتبر، تواتر معنوی روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. به هر حال در این فرض، سخن به مبحث اعتبار حدیث منتقل می‌شود و در جای خود قابل پی‌گیری است که از هدف ما در این نوشتار خارج است ولی شبهه‌ی مخالفت با قرآن از این اعتقاد شیعه زدوده خواهد شد؛ چراکه تخصیص زدن، به معنای مخالفت نیست. (در ادامه بیان خواهیم کرد که در این نوشتار مدّعیان ما حیات برزخی و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام است و نه همه‌ی مردگان).